خبر

ترامپ از صحنه سیاسی آمریکا حذف‌شدنی نیست

بایدن: استیضاح رأی نمی‌آورد

● یک رسانه آمریکایی به نقل از رئیس‌جمهور این کشور نوشت که مجلس سنا احتمالا از آرای کافی برای مجرم‌شناختن دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین ایالات‌متحده در دادگاه استیضاح او برخوردار نخواهد بود.

جو بایدن در مصاحبه‌ای مختصر با شبکه خبری سی‌ان‌ان گفت فکر نمی‌کند ۱۷ نماینده جمهوری‌خواه به مجرم شناخته‌شدن ترامپ رأی مثبت بدهند. اشاره بایدن به ۱۷ نماینده جمهوری‌خواه در مجلس سنا است که برای تصویب استیضاح ترامپ در این مجلس باید با ۵۰ سناتور دموکرات همراه شوند. تصویب استیضاح رئیس‌جمهور در مجلس سنا مستلزم موافقت دوسوم اعضای این مجلس (۶۷ سناتور) است. صد کرسی سنا درحال‌حاضر به‌صورت مساوی بین نماینده‌های دموکرات و جمهوری‌خواه تقسیم شده و تأیید جرم ترامپ مستلزم آن است که علاوه بر همه ۵۰ نماینده دموکرات، ۱۷ نماینده جمهوری‌خواه نیز به محکومیت او رأی بدهند.

چنانچه رئیس‌جمهوری در دادگاه استیضاح مجرم شناخته شود از سمتش عزل شده و از تصدی مناصب فدرال در آینده محروم خواهد شد. ساعاتی قبل‌تر از مصاحبه بایدن با سی‌ان‌ان، رسانه‌های آمریکا گزارش دادند مجلس نمایندگان آمریکا بندهای استیضاح ترامپ را تحویل مجلس سنا داده است. کنگره آمریکا حدود دو هفته پیش در حال شمارش آرای مجمع گزینندگان (الکترال‌کالج) برای تأیید نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری سوم نوامبر بود که بعد از اعتراض چند قانون‌گذار آمریکایی به نتیجه رأی‌گیری در ایالت آریزونا، ترامپ از هوادارانش خواست تظاهرات به‌اصطلاح مسالمت‌آمیز برگزار کنند. اما حامیان ترامپ به سمت کنگره هجوم بردند و بعد از درگیرشدن با نیروهای امنیتی وارد ساختمان کنگره شدند. در جریان این حملات پنج نفر کشته و ده‌ها نفر هم زخمی شدند. در همین راستا، مجلس نمایندگان آمریکا با ۲۳۲ رأی موافق و ۱۹۷ رأی مخالف، طرح استیضاح مجدد ترامپ را تصویب کرد. این اولین‌بار در تاریخ ۲۴۴ساله ایالات متحده است که مجلس نمایندگان این کشور، دو بار طرح استیضاح یک رئیس‌جمهور را تصویب می‌کند. بسیاری بر این باورند که اصرار دموکرات‌ها برای استیضاح ترامپ بیشتر بر آن است تا شرایطی را فراهم کنند که ترامپ به‌طورکامل از صحنه سیاسی حذف شود؛ فرایندی که غیرممکن به نظر می‌رسد و ترامپ با پشتیبانی از ۷۵ میلیون پایگاه رأی‌اش می‌تواند بار دیگر به کابوسی برای دموکرات‌ها تبدیل شود.

آمریکا معافیت موقت تحریمی برای حوثی‌ها صادر کرد

● دولت جدید ایالات متحده آمریکا برخی تحریم‌های مالی مربوط به تروریسم علیه حوثی‌های یمن را به حال تعلیق درآورد. خزانه‌داری دولت جو بایدن می‌گوید که برخی نقل‌وانتقال‌های مالی را از تحریم‌های مربوط به اضافه‌شدن نام حوثی‌ها به فهرست «سازمان‌های تروریستی خارجی» در آمریکا معاف می‌کند. پمپئو در آخرین روزهای دولت دونالد ترامپ، حوثی‌ها را یک گروه تروریستی معرفی کرد. طبق این مجوز، شرکت‌ها و بانک‌های دخیل در معاملات با یمن تا تاریخ ۲۶ فوریه به خاطر تبادلات مالی با انصارالله تحت تحریم قرار نمی‌گیرند. منتقدان تحریم حوثی‌ها بر این باورند که این اقدام روند کمک‌رسانی به مردم یمن را که در بحران انسانی به سر می‌برند، مختل می‌کند. در مقابل حامیان این تحریم‌ها ادعا می‌کنند حوثی‌ها با حمایت از تروریسم به بی‌ثباتی و بحران در منطقه دامن می‌زنند.

پرونده گروگان‌گیری ولیعهد جوان روی میز رئیس‌جمهوری جدید ایالات متحده

بایدن به دنبال حذف پسر سلمان

با ورود جو بایدن به کاخ سفید، رویکرد ایالات متحده در خاورمیانه با تغییرات درخور توجهی نسبت به دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، سلف او همراه خواهد بود و در این میان عربستان نقشی اساسی در سیاست خاورمیانه‌ای واشنگتن ایفا می‌کند. بایدن در شرایطی جانشین ترامپ شد که عربستان در دوره چهارساله ریاست‌جمهوری او از حمایت تمام و کمال کاخ سفید برخوردار بود، اما اکنون با تغییر رئیس‌جمهوری در آمریکا هرگونه تغییر سیاست کاخ سفید در قبال عربستان با یک چالش بزرگ روبه‌رو است؛ محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان. ماجراجویی‌های بن‌سلمان جوان در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ از جمله قتل جمال خاشقجی روزنامه‌نگار منتقد حکومت ریاض و جنجال گروگان‌گیری چندروزه سعد حریری نخست‌وزیر لبنان با واکنش مناسبی از سوی واشنگتن روبه‌رو نمی‌شد. اما بایدن وعده داده که تلاش خواهد کرد تا رابطه ریاض و واشنگتن مسئولانه‌تر از چهار سال اخیر شود.

بااین‌حال، جست‌وجوی راهی بهتر در روابط آمریکا و عربستان به سرنوشت دو جوان سعودی بستگی دارد که از سوی محمد بن‌سلمان زندانی شده‌اند تا از این طریق، پدرشان سعد الجبری که یک مقام ارشد اطلاعاتی عربستان بود از تورنتو به عربستان بازگردد. عمر و سارا الجبری فرزندان ۲۲ و ۲۰ساله سعد، در مارس گذشته دستگیر و زندانی شدند.

سعد الجبری در آستانه آغاز به کار دولت بایدن در آمریکا با انتشار ایمیلی، اطمینان از آزادی فرزندان خود را به عنوان «دقیق‌ترین آزمون ایالات متحده برای سنجش میزان تأثیرگذاری و تغییر رفتار محمد بن‌سلمان» نام برد. موضوع الجبری در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ هم واکنش‌هایی را برانگیخت و در ماه آگوست و با وجود حمایت‌های رئیس‌جمهور وقت آمریکا از بن‌سلمان، وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد مطابق نامه ارائه‌شده از سوی خانواده الجبری، فشار بر کودکان سعد الجبری «غیرقابل قبول» است و خواستار آزادی فوری آنها شد. در این نامه گفته شده است که هرگونه ادعای حکومت سعودی علیه الجبری «باید از طریق مجاری قانونی و با شفافیت کامل رسیدگی شود». اکنون این پرونده حساس به دست دولت بایدن افتاده که می‌خواهد مشارکت امنیتی ایالات متحده با عربستان سعودی را حفظ کند، اما به دنبال «ارزیابی مجدد» برای اعمال فشار بر عربستان درباره مسائل حقوق‌بشری است. یک مقام ارشد وزارت امور خارجه می‌گوید: «وزارت امور خارجه همچنان به مقامات سعودی تأکید می‌کند که هرگونه پیگرد قانونی درباره خانواده الجبری غیرقابل‌قبول است. به همین دلیل، ما نگران شرایطی هستیم که منجر به تبعید سعد الجبری در کانادا شده است. ما همچنان این نگرانی‌ها را با مقامات ارشد سعودی مطرح خواهیم کرد».

دولت بایدن از این قضیه به‌شدت نگران است و می‌خواهد این نگرانی را به مقام‌های سعودی انتقال دهد. از آنجا که پیگرد قضائی فرزندان الجبری مدت‌ها قبل از انتخابات آغاز شده است، مسئولان این امر را چالشی مستقیم برای بایدن نمی‌دانند. اما هم‌زمان با بررسی کلیات روابط ایالات متحده و عربستان سعودی و تغییراتی که در جزئیات این رابطه صورت می‌گیرد، پرونده‌های حقوق‌بشری عربستان هم دوباره روی میز قرار خواهد گرفت و تأثیرگذارترین این پرونده‌ها هم پرونده الجبری است.

یکی از دلایل نگرانی مقامات آمریکایی در دولت ترامپ و بایدن در مورد پرونده سعد الجبری این است که او شریک اصلی سازمان سیا در عملیات‌های ضدتروریستی علیه القاعده بوده است. در نامه ماه جولای ۲۰۲۰ از طرف یک گروه دوحزبی متشکل از چهار سناتور به ترامپ به این نکته اشاره شده که «کمک‌های الجبری به مقام‌های سیا برای کشف و خنثی‌سازی توطئه‌های تروریستی باعث نجات جان هزاران آمریکایی شده است. ما معتقدیم که ایالات متحده وظیفه اخلاقی دارد که در تأمین امنیت آزادی فرزندان الجبری هرچه در توان دارد انجام دهد».

تمرکز بر حقوق بشر

چالش میان دولت بایدن و محمد بن‌سلمان تنها به این پرونده ختم نمی‌شود. بایدن در سال ۲۰۱۷ و در واکنش به قتل فجیع جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار منتقد سعودی در کنسولگری عربستان در استانبول، محمد بن‌سلمان را «اراذل و اوباش» خواند. بعد از انتشار خبر کشته‌شدن خاشقجی، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور وقت آمریکا با ارسال پیامی از او حمایت کرد. اما آوریل هینس که اخیرا با تأیید سنا به عنوان مدیر اطلاعات ملی آمریکا در دولت بایدن منصوب شده، متعهد شد تا تحقیقات سیا درباره این قتل را از حالت محرمانه خارج کند. این به آن معناست که واشنگتن احتمالا به‌طور رسمی محمد بن‌سلمان را در پرونده قتل خاشقجی مقصر بداند؛ حرکتی که تبعات حقوقی و دیپلماتیکی به دنبال خواهد داشت. در همان زمان هم نهادهای اطلاعاتی آمریکا در گزارش خود به ترامپ اعلام کردند که بر اساس شواهد، آمر این قتل محمد بن‌سلمان بوده و او در جریان تمام مراحل عملیات قرار داشته است؛ اما ترامپ واکنش چندانی به این گزارش نشان نداد.

در همین حال و با وجود نارضایتی بسیاری از شاهزادگان عربستانی از دوران ولیعهدی بن‌سلمان که با حبس و زندان آنها همراه بود، این احتمال در برخی رسانه‌ها مطرح شده که انجام یک کودتا علیه بن‌سلمان می‌تواند کم‌هزینه‌ترین اقدام برای حذف او از قدرت باشد.

وب‌سایت «سعودی‌لیکس» به نقل از جیمز کلاپر، رئیس سابق آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا که در دولت اوباما مدیر اطلاعات ملی بود، نوشت: «با توجه به اینکه مشخص نیست در آینده چه اتفاقی می‌افتد، ملاحظات لجستیکی، سیاسی و دیپلماتیک پیچیده‌ای در رابطه با عربستان وجود دارد. عملی‌شدن این احتمال به عوامل متعددی بستگی دارد. چه تعداد شاهزاده در این توطئه مشارکت خواهند داشت. برخی از آنها پرنفوذتر هستند. سیا همچنین باید ملاحظاتی نظیر این را که چقدر می‌شود با احتیاط این کودتا را انجام داد، ملاقات‌ها برای هماهنگی کجا انجام شود و بهترین فرستاده آمریکا چه کسی خواهد بود، مدنظر داشته باشد».

بروس ریدل، کارشناس خاورمیانه در اندیشکده بروکینگز اما واقع‌گرایانه‌تر به موضوع نگاه می‌کند و می‌گوید: «بایدن راهی برای متقاعدکردن ملک سلمان، پادشاه عربستان، برای کنارگذاشتن پسرش پیدا کند. اما بعید است ملک سلمان چنین کاری انجام دهد. او به خوبی می‌داند که آمریکا چاره‌ای جز تعامل با او ندارد».

پیام تغییر رنگ امنیتی عراق در دوره بایدن

عبدالرحمن فتح‌الهی: شاید در نگاه اول به نظر می‌رسید که عملیات انتحاری پنجشنبه هفته گذشته بغداد با مسئولیت داعش، اتفاقی موردی به دلیل باگ امنیتی است که متأثر از شرایط متشتت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سلامت در عراق باشد. اما زمانی که در کمتر از پنج روز شاهد تحرکات داعش از عملیات میدان الطیران با ۳۲ کشته تا حمله یکشنبه‌شب به مواضع تیپ ۲۲ سازمان الحشدالشعبی در اطراف منطقه العیث و انفجار دو روز پیش در منطقه العدل بغداد هستیم، نشان از این دارد که رنگ امنیتی عراق در سطح و لایه‌هایی به‌مراتب گسترده‌تر و عمیق در حال تغییر است؛ تغییر رنگی که به گمان برخی هم‌زمانی‌اش با روی‌کارآمدن جو بایدن در ایالات متحده چندان بی‌ارتباط نیست تا از این طریق دولت جدید در کاخ سفید توجیه شده و بهانه‌ای برای تداوم حضور نیروهای نظامی آمریکایی در خاک عراق پیدا کند. همچنان که برخی دیگر بر این باورند سلسله عملیات‌ها و تحرکات داعش در این کشور (عراق) می‌تواند پیام کشورهای منطقه با محوریت عربستان سعودی و اسرائیل به جو بایدن به منظور تداوم و حتی تشدید راهبرد فشار آمریکا در دوره بایدن بر محور مقاومت باشد. اما با نگاهی درونی به شرایط و اقتضائات سیاسی در عراق نباید و نمی‌توان برخی پارامترهای داخلی را هم ذیل این تغییر رنگ امنیتی در این کشور نادیده گرفت. خصوصا عملیات انتحاری میدان الطیران و نیز انفجار یکشنبه در منطقه العدل بغداد، آن‌هم در زمان نخست‌وزیری مصطفی الکاظمی به عنوان مهره نزدیک به سیاست‌های کاخ سفید، می‌تواند این ظن را تقویت کند که به موازات نقش‌آفرینی عوامل خارجی از ایالات متحده تا عربستان و دیگر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌توان دنباله‌ای داخلی هم برای این تغییر رنگ امنیتی در عراق پیدا کرد. به هر تقدیر انفجارهای پنجشنبه هفته گذشته و یکشنبه هفته جاری در پایتخت عراق نخستین عملیات‌ها از نوع خود پس از حدود سه سال از آخرین اقدام داعش در بغداد به شمار می‌رود که می‌تواند وضعیت مصطفی الکاظمی را دستخوش تغییراتی جدی کند.

این گمانه‌زنی زمانی تقویت می‌شود که نخست‌وزیر عراق ذیل عملیات الطیران، فرصت بی‌بدیلی برای تصفیه سیاسی مهره‌های نامطلوب کابینه‌اش به‌خصوص در حوزه امنیتی و نظامی پیدا کرد و به دنبال آن تعدادی از سران تشکیلات امنیتی را به بهانه کوتاهی در وظایف خود برکنار کرد و نزدیکان خود را جای آنها قرار داد.

این در حالی است که اگر موج‌سواری سیاسی و امنیتی کاظمی بر عملیات میدان الطیران نبود، نخست‌وزیر طبق روند و عرف در عراق مجبور به مشورت و کسب رضایت جناح‌های مختلف برای برکناری هرکدام از این افراد و ضمنا جایگزینی آنها با مهره‌هایی نزدیک به همان احزاب و جریانات بود؛ اما با توجه به جو روانی که عملیات پنجشنبه گذشته بازار بغداد ایجاد کرد که با انفجار منطقه العدل هم به اوج خود رسید، او موفق شد به راحتی تعداد زیادی از افرادی را که برای اقدامات او در عراق چالش ایجاد می‌کردند، با افرادی نزدیک به خود جایگزین کند.

اگر این ماجرا را کنار تصمیم‌گیری دولت عراق برای برگزاری انتخابات زودهنگام در شرایطی که حتی تا چند روز قبل بحث تأمین امنیت حوزه‌های انتخابیه مطرح بود، قرار دهیم، ما را به این واقعیت رهنمون می‌کند که در این شرایط، تغییر رنگ امنیتی عراق ذیل تحرکات داعش که تا پایتخت هم پیش رفته است، به شکل بسیار پررنگی در جهت منافع جناح سیاسی همسو با آقای الکاظمی تمام شده؛ چراکه نخست‌وزیر در سایه همین تغییر آهنگ امنیتی عراق، سایه سنگین‌تری بر ساختار امنیتی این کشور پیدا کرده است و به تبع آن دست او برای تأمین منافع سیاسی خود و کشورهای همسو نظیر ایالات متحده و عربستان در آستانه انتخابات بازتر خواهد شد.

این مسئله وقتی نمود بیشتری پیدا می‌کند که دستگاه‌های امنیتی عراق بدون بررسی دقیق میدانی روی عملیات بازار بغداد برای روشن‌ترشدن ریشه‌ها، ابعاد و بازیگران پشت آن، تنها با ادعای بازگرداندن زندگی عادی شهروندان اقدام به شست‌وشوی میدان الطیران از آثار به‌جای‌مانده از عملیات انتحاری کردند. در حالی که طبق پروتکل‌های امنیتی در همه کشورها محدوده عملیات تروریستی برای بررسی دقیق آثار میدانی و کشف سرنخ‌ها باید به مدت نامعلوم و مورد نیاز بسته بماند تا دستگاه‌های امنیتی اقدام به جمع‌آوری شواهد و قرائن کنند. اما خلاف این رویه، بیانیه جمعه هفته گذشته داعش در پذیرش مسئولیت عملیات میدان الطیران کافی بود تا تمام این پروتکل‌ها به کلی به حاشیه کشیده شود و زوایای پنهان و ناپیدای این عملیات برای همیشه دفن شود.

بنابراین مجموعه نکات یادشده این مهم را یادآوری می‌کند که لزوما تغییر رنگ امنیتی در عراق نمی‌تواند محصول نقش‌آفرینی یک بازیگر داخلی، منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای از نخست‌وزیر عراق تا ایالات متحده، عربستان، اسرائیل یا هر کشور دیگری با منافعی مستقل و مجزا باشد. بلکه باید این تصور را داشت که تغییر آهنگ امنیتی نتیجه همپوشانی منافع این بازیگران و سینرژی نقش‌آفرینی موازی همه آنهاست؛ بازیگرانی که از داخل عراق با تمرکز بر شخص الکاظمی به دلیل شرایط خاص سیاسی تا ریاض و تل‌آویو را شامل می‌شود؛ چراکه عربستان و اسرائیل هم از تغییر لحن احتمالی دولت جو بایدن نسبت به سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا در خاورمیانه ناشی از اولویت‌های کاخ سفید برای مبارزه با کرونا، بهبود اقتصاد داخلی در ایالات متحده و نظایر آن و نهایتا انفعال و مماشات با نفوذ ایران در غرب آسیا به‌شدت نگران هستند. همچنین نباید فراموش کرد بایدن جزء سیاست‌مداران طرفدار تفکر «برنارد لوئیس» مبنی بر لزوم اعاده تجزیه منطقه خاورمیانه به کشورهای کوچک‌تر به منظور درگیرکردن آنهاست، تا ذیل آن بهانه حضور مداوم واشنگتن در غرب آسیا با توجیه میانجیگری آمریکا به قوت خود باقی باشد. علاوه بر آن جو بایدن طراح پروژه قدیمی تجزیه عراق در سال ۲۰۰۷ به سه کشور کردی، شیعی و سنی بود. این نکته هم می‌تواند گویای آن باشد که بایدن هم اگرچه در داخل با ابربحران‌هایی نظیر تداوم شیوع کرونا و اقتصاد رو به افول مواجه است، اما نمی‌تواند منافع سیاست خارجی ایالات متحده در منطقه استراتژیکی همچون خاورمیانه را نادیده بگیرد. بنابراین به موازات مدیریت بحران‌های داخلی به دنبال زمینه‌سازی برای توجیه حضور آمریکا در عراق و پیگیری منافع بلندمدت کاخ سفید در خاورمیانه است.

نگاه

فاجعه بهار عربی، رؤیاها و کابوس‌ها

رفیق خوری . کارشناس خاورمیانه

پس از پیروزی «انقلاب یاس» در تونس، مردم این کشور بار دیگر علیه اقتدار حاکم دست به شورش زدند و ۱۰ سال پس از آغاز موفقیت‌آمیز قیام مردمی در تونس، خوانش‌ها از انقلاب‌های موسوم به «بهار عربی» نه‌تنها در خاورمیانه که عملا آن را تجربه کرده است، بلکه در جهانی تقسیم‌شده میان ناظر و مداخله‌گر، تفاوت‌های بسیاری دارد.

تردیدی نیست که در این میان، بین افراد بی‌گناهی که برای به‌دست‌آوردن نان، عزت و آزادی، تظاهرات مسالمت‌آمیزی را به راه انداختند و بین کسانی که برای تحقق اهداف متناقض، با خشونت و ستیزه‌جویی به خیابان‌ها ریختند و قیام‌های مردمی را به آشوب کشاندند، تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. در واقع نتایج برآمده از بهار عربی به‌طورکلی متفاوت با اهداف ترسیم‌شده در آغاز قیام‌های مردمی بود و پیامدهای بهار عربی که همه شاهد آنها بوده‌ایم، جز ایجاد سختی و رنج برای شهروندان بی‌گناه، هیچ دستاورد دیگری نداشت.

جنبش‌های مردمی نه‌تنها موفقیتی در جلوگیری از توسل نظام‌های حاکم به خشونت و سرکوبی اعتراضات و طلب کمک از نیروهای خارجی و سازمان‌های افراطی برای ارعاب معترضان به‌منظور حفظ بقای رژیم‌ها نداشتند، بلکه نتوانستند مانع تبدیل‌شدن «بهار عربی» به «زمستان» شوند که در جریان آن، داعش اقدام به تأسیس «دولت خلافت» در مناطق وسیعی از قلمرو عراق و سوریه کرد. همچنان قیام‌های مردمی این توانایی را در خود نیافتند تا اهداف محلی که در فرجام، منجر به خیزش‌های بعدی شد و طبق معمول زمینه مطرح‌شدن «تئوری توطئه» را به مفهوم اینکه هدف از بهار عربی، بی‌ثبات‌کردن دولت‌ها به نفع دشمن بوده است، نادیده بگیرند. مارک لینچ، استاد علوم سیاسی دانشگاه جورج‌واشنگتن، در شماره اخیر نشریه «فارن‌افرز» نوشت که «موج خیزش‌های مردمی در جهان عرب، سراب نبود، بلکه پیامدهای بسیاری داشت؛ طوری که خاورمیانه دستخوش تغییرات زیادی شد، پیروزی نظام‌های استبدادی قادر به ایجاد ثبات و استقرار نشد، افزون بر آنکه هیچ راهی برای بازگشت به آغاز بهار عربی در سال ۲۰۱۱ وجود ندارد». البته اعتراضات مسالمت‌آمیز ادامه خواهد داشت؛ زیرا عوامل انقلاب تغییر نکرده و انگیزه قیام‌ها هنوز پایان نیافته است؛ اما بزرگ‌ترین درسی که از بهار عربی در سال ۲۰۱۱ آموخته شد، این بود که هیچ قدرت خارجی‌ای توانایی کنترل خاورمیانه را ندارد. مارک لینچ، پیش از آن در مقاله دیگری که در همین نشریه منتشر شد، نوشته بود که «انقلاب‌ها نتوانستند به اهداف مدنظر که بسیاری در انتظار تحقق آنها بودند، برسند، اما برای جهان عرب نظم جدیدی ایجاد کردند، طوری که قدرت‌های بزرگ سنتی مانند مصر، سوریه و عراق به‌سختی گام برمی‌دارند، درحالی‌که کشورهای ثروتمند خلیج فارس مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی در حال رشد و توسعه هستند». نوح فیلدمن، استاد حقوق در دانشگاه هاروارد و معمار قانون اساسی عراق، در کتابی به‌عنوان «تراژدی زمستان عربی» می‌گوید: «بهار عربی عملا ناامیدکننده بود و سخنان قهرمانانه خیزش‌های مردمی، راه را برای پدیده تاریک‌تری هموار کرد؛ اما شکی نیست که دموکراسی از بین نرفته، بلکه به تعویق افتاده است و به نسل دیگری احتیاج دارد». البته واقعیت اوضاع از همه برداشت‌ها، بیشتر گویای حقیقت است. تونس که شاهد پیروزی «انقلاب یاسمن» بود و اکنون خود را دچار دشواری‌های نظام پارلمانی می‌بیند، مردم آن بار دیگر قیام کرده‌اند و دلتنگ نظام ریاست‌جمهوری هستند. انقلاب، آزادی را به ارمغان آورد؛ اما دولت‌ها، صرف‌نظر از ساختارهایی که داشتند، نتوانستند شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی را برطرف کنند و بی‌کاری جوانان را کاهش دهند. سوریه به ویرانه‌ای تبدیل شده است. در این میان، لیبی به دلیل جنگ ژئوپلیتیکی که بر سر منابع نفت و گاز شرق مدیترانه، در قلمرو این کشور بین ارتش‌ها، گروه‌های شبه‌نظامی و مزدوران جنگی جریان دارد، به دو پاره تقسیم شده است. یمن نیز در ورطه جنگ داخلی پایان‌ناپذیری گیر افتاده است. این در حالی است که تلاش‌های سازمان ملل متحد در راستای آمادگی برای نظارت بر توافق‌های سیاسی که درگیری‌های منطقه را پایان دهد، در گرو توانایی طرف‌های درگیر برای رسیدن به پیروزی نظامی قرار دارد. البته مردم، به‌ویژه جوانانی که در آغاز بهار عربی با حفظ آرامش و با هدف ایجاد تغییرات مثبت در جامعه به خیابان‌ها آمده بودند، قربانی اصلی درگیری‌های بی‌پایان کشورهای منطقه هستند و به فرض اینکه حل‌وفصلی بتواند به آشفتگی‌های کنونی پایان دهد، جوامع این کشورها که یک دهه گذشته را در جنگ و تباهی گذرانده‌اند، برای اینکه به وضعیت قبل از سال ۲۰۱۱ بازگردند، حداقل به ۳۰ سال زمان نیاز دارند.

تصمیم واحد ثبتی مبنی بر عدم قابلیت افراز
مرجع رسیدگی : اداره ثبت اسناد و املاک قلهک
متقاضی : آقای رضا آشوری به آدرس : تهران خ ظفر خ فرید افشار کوچه نور پلاک ۲۴
مالکین مشاعی : ۱- خانم فرشته حقیقت منش ۲- آقای رضا ابوالفضلی آدرس: به علت عدم اعلام از طرف متقاضی افراز ابلاغ از طریق انتشار آگهی ، درخواست : افراز پلاک ثبتی ۶۶۲۷ فرعی از ۲۸- اصلی واقع در بخش ۱۱ تهران ، گردش کار: متقاضی به موجب تقاضای وارده ۲۵۹۴۸ مورخه ۹۹/۸/۱۷ به استناد قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب آبان ماه ۱۳۵۷ تقاضای افراز پلاک فوق الذکر را نموده است که پس از طی مراحل قانونی و اداری و با توجه به میزان مساحت و وضعیت کمی و کیفی ملک مورد تقاضا و نامه شماره ۵۰۱/۶۸۹۷۱ مورخه ۹۹/۹/۱۸ شهرداری منطقه یک تهران که بعلت قلت مساحت ملک با افراز مخالفت نموده است لذا ملک مورد تقاضا غیر قابل افراز تشخیص و اعلام می شود . این تصمیم بر اساس ماده ۵ آئین نامه قانون مذکور صادر گردیده و طبق ماده ۲ قانون یاد شده ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ قابل اعتراض از طرف هریک از شرکا در دادگاه محل وقوع ملک می باشد.رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قلهک تهران م الف ۱۷۰۰۷

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

وزارت راه و شهرسازی
شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران
اداره کل فرودگاه بین المللی مهرآباد

مناقصه عمومی ۲۷-۱۰-۹۹- ۱۰۰ MA - T
(یک مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی فشرده)

۱- موضوع مناقصه : عملیات اجرایی بهسازی بخشی از جاده سرویس فرودگاه بین المللی مهرآباد از طریق اشخاص حقوقی واجد شرایط
۲ - مهلت فروش اسناد : از روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۷ لغایت روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۴
۳ - نحوه دریافت اسناد: بمنظور دریافت اسناد به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه شود.
۴ - آخرین مهلت ارسال پیشنهادات در سایت : روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۹ ساعت ۹:۰۰ صبح می باشد.
۵- زمان بازگشایی پاکات : روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۹ ساعت ۱۰:۰۰ صبح می باشد.
۶ - مبلغ سپرده شرکت در مناقصه : ۱.۶۲۱.۰۰۰.۰۰۰ ریال
۷ - مناقصه گران باید دارای گرید ۵ راه باشند.

اداره کل فرودگاه بین المللی مهرآباد
م الف ۳۵۶۶